

برابری جنسیتی در افغانستان؛ دستاوردها و چالش‌ها

مختار حسین حیدری*

چکیده

موضوع برابری جنسیتی و برخورداری زنان از حقوق انسانی‌شان که از مهم‌ترین هنجارهای نظام بین‌الملل حقوق بشر بوده و در دنیای امروز معیاری برای توسعه‌یافتگی کشورها به حساب می‌آید، در افغانستان تاریخ پرفراز و نشیب داشته است. از زمان تأسیس افغانستان تا کنون از یک‌طرف نگاه تحقیرآمیز و تبعیض حقوقی علیه زنان در قالب ارزش‌های فرهنگی و تفاسیر سنتی از دین توجیه می‌شده است و از سوی دیگر تلاش‌هایی برای کاهش تبعیض علیه زنان در جریان بوده است. در این میان، دو حرکت اصلاحی و برابری‌طلبانه در زمان امان‌الله خان و بعد در دوره حکومت کمونیست‌ها، توانست به صورت موقتی از شدت تبعیض علیه زنان کاسته و زمینه‌های بهره‌مندی زنان از برخی از حقوق انسانی‌شان را فراهم سازد؛ اما اصلاحات دستوری، شتاب‌آلود و بدون توجه به ظرفیت‌های جامعه در هر دو دوره نهایتاً نتیجه معکوس داشته و زمینه سلطه بیش‌تر نیروهای واپس‌گرا و محرومیت بیش‌تر زنان را فراهم ساخته است.

* استاد دانشگاه و پژوهشگر در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

در نظام سیاسی جدید، بعد از سقوط طالبان، موضوع برابری جنسیتی در سطوح مختلف در مرکز توجه بوده و بدون شک در حوزه نهادسازی، قانون گذاری و جلب توجه افکار عمومی به موضوع حقوق زن، دستاوردهای جدی حاصل شده است؛ اما در عین حال برای رسیدن به برابری جنسیتی هنوز چالش های جدی وجود دارد؛ از جمله دستاوردهای کنونی در حوزه حقوق زنان عمدتاً وارداتی و ناپایدار است. بسیاری از دستاوردها در حوزه حقوق زنان از سوی نهادهای دینی و دین داران خلاف ارزش های دینی تلقی می شود. در نظام حقوقی کنونی در خصوص حقوق زنان برخی تعارضات درونی وجود دارد و از همه مهم تر دیوار فرهنگ ضد زن و مردسالار در جامعه افغانستان قوی تر از آن است که به این راحتی ها فرو بریزد. واژگان کلیدی: تبعیض، جنسیت، تبعیض جنسیتی، حقوق زنان، حقوق بشر، افغانستان.

مقدمه

اندیشه حقوق بشر بر این فرض استوار است که همه انسان ها در تعدادی از خصوصیات اساسی شریک هستند و در نتیجه باید آنان را به دیده اعضای نژاد انسانی و نه اعضای گروه خاص نگریست. شناسایی و پذیرش این خصوصیات مشترک انسانی، به اصل برابری منتهی می شود که متضمن آن است که با همه اشخاص با احترام برابر رفتار شود. دست یابی به رفتار یکسان و برابر ممکن است از نقطه نظر ایجابی یا سلبی مورد توجه قرار بگیرد. در اسناد حقوقی بشری گاهی صحبت از برابری است و گاهی از ممنوعیت تبعیض؛ بنابراین، می توان گفت این دو مفهوم در واقع دو روی یک سکه اند. به عبارت دیگر، اصل عدم تبعیض، نتیجه اصل برابری بوده و به عنوان یکی از اصول مسلم نظام بین الملل حقوق بشر، مسأله برابری را از زاویه سلبی می نگرد.^۱

بر اساس اصل ممنوعیت تبعیض، هرگونه تفاوت گذاشتن میان افراد انسانی بدون توجیه عقلانی ممنوع است. اصل ممنوعیت تبعیض، اصل کلی است که بر اساس زمینه های آن، به انواع

1. CESCR, General comment No. 16, The equal right of men and women to the enjoyment of all economic, social and cultural rights (art. 3) E/C.12/2005/4 11 August 2005, Para. 10.

مختلف تقسیم می‌شود. یکی از مهم‌ترین انواع آن، ممنوعیت تبعیض بر اساس جنسیت است که بر مبنای آن هر نوع تمایز غیر عقلانی در حقوق زن و مرد ناموجه است. در ادبیات حقوق بشری، ممنوعیت تبعیض جنسیتی معمولاً تحت همین عنوان یا عناوین «برابری جنسیتی» یا «حقوق زنان» مورد بحث قرار می‌گیرد.

در دنیای امروز، جایگاه و میزان برخورداری زنان از حقوق انسانی‌شان از اهمیت زیادی برخوردار بوده و در واقع، سطح برابری جنسیتی، معیار و شاخصی برای توسعه‌یافتگی کشورها به حساب می‌آید. بعد از سقوط طالبان و تشکیل نظام جدید در افغانستان نیز مسئله زنان، هم در سطح سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری دولت و هم در سطح افکار عمومی، در مرکز توجه بوده است. موضوع حقوق زنان در افغانستان، موضع گسترده بوده و از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما در این تحقیق تلاش می‌شود ضمن ارائه گزارش مختصر از پیشینه تاریخی موضوع، به دستاوردهای مهم گذشته پرداخته شده و چالش‌های کنونی و آینده برجسته شود.

۱. توضیح مفاهیم اساسی

چنان‌که در مقدمه بیان شد، اصل برابری و ممنوعیت تبعیض در واقع دو روی یک سکه و بیان‌کننده محتوای واحد است؛ اما نکته شایسته توجه آن است که مفهوم برابری در برابر تعریف مقاوم بوده و در طول تاریخ تعریف‌های و توصیف‌های متفاوتی در مورد آن ارائه شده است. شاید به‌خاطر ابهام معنایی برابری باشد که ممنوعیت تبعیض بیش‌تر به‌عنوان یکی از اصول اساسی حقوق بشری مطرح و مشهور شده است. برخی از صاحب‌نظران تصریح کرده‌اند که به‌لحاظ حقوقی، هدف اصلی از ایجاد مفهوم «عدم تبعیض»، اجتناب از ابهامات مفهوم برابری بوده و ملاحظه اساسی به سود رویکرد سلبی، دستیابی به میزان بیش‌تری از وضوح و قطعیت در رسیدن به برابری است (کریون، ۱۳۸۷: ۲۰۶-۲۰۸). به همین دلیل، با وجودی که در عنوان مقاله برابری جنسیتی ذکر شده است، به تبعیت از آنچه در اسناد و منابع حقوق بشری بیش‌تر مرسوم است، در این قسمت واژه‌های کلیدی تبعیض، جنسیت و تبعیض جنسیتی به‌صورت مختصر تشریح می‌شود.

۱-۱. تبعیض

تبعیض معادل Discrimination در زبان انگلیسی است. این واژه برگرفته از کلمه لاتین Discriminatus (به معنای تقسیم شده و متمایز شده) به معنای عمل متفاوت و متمایز ساختن چیزها است و از قرن هفدهم در زبان انگلیسی به کار رفته است. تفاوت گذاشتن متعصبانه و غرض‌آلود بین مردم به خصوص مردمانی با رنگ‌ها و نژادهای مختلف نیز از معانی تبعیض است.^۱ «رفتار نابرابر و خلاف عدل و انصاف با گروه‌های از مردم خواه دوستانه و خواه خصمانه به دلایلی مثل نژاد، زبان، ملیت، مذهب، عقیده و جز این‌ها که ارتباطی با رفتار بالفعل آن افراد نداشته باشد و یا ارتباط کمی داشته باشد» (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳: ۱۹۱) و «رفتار متفاوت و نابرابر با افراد در حالی که هیچ تفاوت متعارفی بین آن‌هایی که ترجیح داده شده‌اند و آن‌هایی که ترجیح داده نشده‌اند، وجود ندارد»^۲، از جمله تعریف‌هایی است که در فرهنگ‌ها و دانش‌نامه‌ها از تبعیض ارائه شده است.

بنابراین، تبعیض در ادبیات حقوقی و حقوق بشری به معنای نابرابری ناموجه و غیر عادلانه است و بر وضعیت یا رفتاری اطلاق می‌شود که امتیازات برای یک عده مشخص داده شود یا این‌که طبقه دیگر به دلیل نژاد، سن، جنسیت، ملیت، دین، معلولیت و تفاوت‌های از این نوع، از امتیازاتی محروم شود. تبعیض در هیچ سند حقوق بشری تعریف نشده است؛ اما کمیته‌های ناظر به تعریف تبعیض پرداخته‌اند. کمیته حقوق بشر^۳ معتقد است واژه تبعیض، بر هر تمایز، استثنا محدودیت یا ترجیحی که مبتنی بر زمینه‌های مختلف مانند نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، دین و... باشد، دلالت می‌کند.^۴ از نظر کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۵ تبعیض رفتار متمایزی است که مبتنی بر موقعیت یا وضعیت خاص افراد یا گروه‌ها مانند نژاد، رنگ، جنسیت، دین... باشد.^۶

1. Robert L. Maddex, International Encyclopedia of Human rights; Freedom; Abuses and Remedies, Washington D.C, CQ Press, a Division of Congressional Quarterly Inc, 2000. pp.112-113.
2. BRYAN A. GORNER (EDITOR IN CHIEF), BLOCK'S LAW DICTIONARY, DADGO STAR PUBLICATION, TEHRAN, 1379, p.145.
3. HUMAN RIGHTS COMMITTEE (HRC)
4. HRC GENERAL COMMENT NO.18: NON-DISCRIMINATION, 1989, PARAGRAPH 7.
5. COMMITTEE ON ECONOMIC, SOCIAL AND CULTURAL RIGHTS, (CESCR).
6. CESCR GENERAL COMMENT NO.16: THE EQUAL RIGHTS OF MEN AND WOMAN TO THE ENJOYMENT OF ALL ECONOMIC, SOCIAL AND CULTURAL RIGHTS, 20005, PARA.10.

۱-۲. جنسیت

«جنسیت» و «جنس» معادل واژه «Gender» و «Sex» انگلیسی، مقوله‌ای زیست‌شناختی و روان‌شناختی به معنای ویژگی‌های مردانه و زنانه است. گاهی این واژه‌ها به صورت مترادف به کار برده می‌شود؛ اما گاهی میان آن‌ها تمایز گذاشته شده و جنس (Sex) به معنای تفاوت‌های زیستی و طبیعی و جنسیت (Gender) به معنای تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان مردان و زنان استعمال می‌شود (خانی، ۱۳۸۵: ۱). به عبارت دیگر، در رویکرد دوم، سکس مقوله زیست‌شناختی است؛ اما جنسیت تفاوتی است که در شکل فرهنگی بیان می‌شود و بر شیوه مردانه‌ای که مردان باید طبق آن رفتار کنند و شیوه زنانه‌ای که زنان باید طبق آن رفتار کنند، دلالت دارد (رامین و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۲۸)؛ بنابراین، تفاوت‌های جنسی ذاتی و غیر قابل آموزش بوده و در همه جهان وجود دارد؛ اما تفاوت‌های جنسیتی اکتسابی و آموختنی هستند و با گذشت زمان تغییر می‌کنند و فرهنگ‌ها و جوامع در کم و کیف این تفاوت‌ها باهم اختلاف دارند. به جز تفاوت‌های طبیعی غیر قابل انکار میان زن و مرد، در جوامع مختلف تفاوت‌های متنوع دیگری نیز وجود دارد که ناشی از فرهنگ و جامعه هستند. در ابتدای تولد، تفاوت میان کودک پسر و دختر بسیار کم است؛ اما وقتی که آن‌ها رشد می‌کنند، از طریق خانواده و جامعه، نقش‌های خاصی به هر کدام داده شده و تفاوت‌های جدی در نقش آن‌ها پدید می‌آید و به این مجموعه تفاوت‌های اکتسابی جنسیت اطلاق می‌شود.

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

۱-۳. تبعیض جنسیتی

از تبعیض جنسیتی معادل «Gender Discrimination»، تعریف‌های مختلفی ارائه شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: «اعتقاد به برتری یکی از دو جنسیت مذکر و مؤنث.» «گفتار، رفتار و منشی که از اعتقاد به فروودستی زنان سرچشمه گیرد و موجب گردد راه بر ابراز وجود و فعالیت‌های زنان بسته شود.» (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳: ۶۲۱). در بیش‌تر نمونه‌ها، تبعیض جنسیتی به صورت اعتقاد به برتری جنس مذکر و تلقی زن به منزله موجودی که از نظر فکری، روانی و جسمی پست‌تر از مرد است، جلوه‌گر می‌شود. (رامین و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۱۹). به طور کلی، مفهوم لغوی تبعیض، تفاوت گذاشتن توجه‌ناپذیر میان انسان‌ها است و زمانی که مبنای این تبعیض جنسیت فرد مورد تبعیض باشد، به این تبعیض، تبعیض جنسیتی اطلاق می‌شود. (رواسیان کاشی، ۱۳۸۸: ۱۲)؛ بنابراین، می‌توان گفت: تبعیض جنسیتی عبارت است از

تفاوت گذاشتن میان افراد بر اساس جنسیت آنان که منجر به تحقیر، طرد و تضييع حقوق افراد يك جنس بشود. به مفهوم وسيع تر به گرايشي كه به تكريم يك جنس و تحقير جنس ديگر مي انجامد، تبعيض جنسيتي اطلاق مي شود.

در كنوانسيون رفع تمام اشكال تبعيض عليه زنان، «تبعيض عليه زنان» اين گونه تعريف شده است: «از نظر اين كنوانسيون، عبارت «تبعيض عليه زنان»، به معنای قائل شدن هرگونه تمايز، استثنا يا محدوديت بر اساس جنسيت است كه بر به رسميت شناختن حقوق بشر زنان و آزادي هاي اساسي آنها و بهره مندي و اعمال آن حقوق، بر پايه مساوات با مردان، صرف نظر از وضعيت تأهل آنها، در تمام زمينه هاي سياسي، اقتصادي، اجتماعي، فرهنگي، مدني و ديگر زمينه ها اثر مخرب دارد يا اصولاً هدفش از بين بردن اين وضعيت است.»^۱

۲. پيشينه موضوع حقوق زن در افغانستان

پيشينه تاريخي حقوق زنان در افغانستان، يك موضوع گسترده و وسيعي است كه نمي توان در يك يا چند مقاله تمام زواياي آن را بررسي كرد. در اين جا صرفاً به هدف اين كه ريشه هاي تاريخي موضوع كاملاً مغفول واقع نشود و از گذشته هاي دور كه بسترهاي وضعيت كنوني ما را شكل داده است آگاهي ولو اجمالي به دست بيايد، در ابتدا به وضعيت زنان از زمان تأسيس افغانستان تا حكومت حبيب الله خان اشاره شده و سپس دو تحول عمده در زمينه حقوق زنان در دوره اصلاحات امان الله و عصر حكومت كمونيست ها به اختصار گزارش مي شود.

۲-۱. از تأسيس افغانستان تا حكومت حبيب الله خان

با تشكيل کشور افغانستان در سال ۱۷۴۷ ميلادي، دو عامل عمده، يعني وجود نظام پادشاهي مطلقه و استبداد حاکمان از يك طرف و حاکميت آداب و رسوم فرهنگ قبيله اي از طرف ديگر، باعث محروميت زنان از حقوق انساني شان بوده است. خودكامگي و استبداد از ويژگي هاي حكومت هاي پادشاهي مطلقه است و افغانستان مدت ها گرفتار چنين حكومت هاي سلطنتي

1. CONVENTION ON THE ELIMINATION OF ALL FORMS OF DISCRIMINATION AGAINST WOMEN ADOPTED BY GENERAL ASSEMBLY RESOLUTION 34/180 OF 18 DECEMBER 1979 ENTRY INTO FORCE 3 SEPTEMBER 1981. ARTICLE 1.

استبدادی بوده است. در نظام‌های استبدادی، آزادی، حقوق شهروندی و عدالت قضایی اهمیتی ندارد و در حکومت استبدادی افغانستان نیز مردم و آزادی‌ها و حقوق آنان جایگاهی نداشته‌اند و در این میان زنان قربانیان اصلی این وضعیت بوده‌اند.

عامل دیگری که بر رعایت حقوق زنان در افغانستان تأثیر منفی گذاشته، حاکمیت آداب و رسوم فرهنگی ظالمانه است. بعد از تشکیل و توسعه امپراتوری احمدشاه ابدالی، با گسترش هرچه بیش‌تر آداب و رسوم قبیله‌ای و ترکیب‌شدن حتی مقدم‌شدن آن بر آموزه‌های دینی و در نتیجه استفاده ابزاری شاهان از رسومات خرافی گره‌خورده با آموزه‌های دینی درباره زن، اوضاع این قشر از جامعه بیش از اقشار دیگر با سرعت به ضعف و وخامت رفته است (محسنی حکمت)، (۱۳۹۰: ۴۴). از نمونه‌های مقدم‌داشتن عرف پشتون‌والی بر آموزه‌های دینی این است که احمدشاه ابدالی بعد از تعیین تیمورشاه به‌عنوان ولیعهد، در وصیت‌نامه خود سفارش می‌کند که زن بیوه را باید ورثه میت نکاح کند نه بیگانه و زنان از حق میراث محروم شوند. در این وصیت، عرف پشتون‌والی بر احکام صریح و روشن دینی مقدم شده است (کاظم، ۲۰۰۵م: ۲۸-۲۹).

در سایه حکومت حاکمان بعدی در وضعیت زنان تحول جدی ایجاد نشد و زنان هم‌چنان از جایگاه و حقوق انسانی‌شان محروم بودند. این وضعیت ادامه داشت تا این‌که در اواخر قرن نوزدهم، امیر عبدالرحمن بر افغانستان تسلط پیدا کرد. برخی با استناد به قول خود عبدالرحمان در زندگی‌نامه‌ای که توسط منشی هندی او با عنوان تاج‌التواریخ نوشته شده، معتقدند که او اصلاحاتی در بحث حقوق زنان به وجود آورده و باعث تخفیف فشار اجتماعی بر زنان شده است (فرهنگ، ۱۳۷۴: ۴۳۴). از جمله نقل شده است که عبدالرحمن حق ارث و ملکیت زنان را به رسمیت شناخت، ازدواج‌های اجباری و قبل از بلوغ را ملغا کرد، اداره ثبت ازدواج را تأسیس کرد، حق دادخواهی زنان و درخواست نفقه را به رسمیت شناخت و به‌جای پشتون‌والی حکم شریعت را جایگزین کرد (گریگوریان، ۱۳۸۸: ۱۷۶).

بعد از عبدالرحمن، جانشین و پسرش حبیب‌الله (۱۹۰۱-۱۹۱۹) زنان را از بیرون‌رفتن از خانه بدون کار واجب منع نموده، به آنان دستور داد که برقع خاکی بر سر نموده و زینت خود را مخفی نگهدارند. سرایندگان و رقاصان زن به امر او از کارشان بازداشته شدند. امیر تعدد زوجات را به اندازه شرعی، یعنی چهار زن، محدود ساخت و خود نیز یک یا سه زن خود را که بیش از نصاب

شرعی بود، طلاق داد (فرهنگ، ۱۳۷۴: ۴۴۹ و غبار، ۱۳۷۵: ۱۱۰۸). به نظر می‌رسد اکثر این احکام در ابتدای حکومت او در جهت تشدید وخامت وضعیت زنان بوده است؛ اما در زمان حبیب‌الله دو اتفاق مهم اتفاق افتاد که آثار مثبتی بر وضعیت افغانستان از جمله جایگاه زنان به جا گذاشت. اول این که در زمان حبیب‌الله اولین مکتب جدید به نام لیسه حبیبیه در سال ۱۹۰۳ پایه‌گذاری شد و اولین جنبش مشروطه‌طلبی افغانستان حول محور همین لیسه به وجود آمد (غبار، ۱۳۷۵: ۱۱۰۸). اگرچه این جنبش توسط حبیب‌الله سرکوب شده است؛ اما آثار اندیشه مشروطه‌خواهی سال‌ها در ذهن مردم به‌خصوص افراد باسواد و تحصیل‌کرده باقی ماند.

دوم این که در حکومت امیر حبیب‌الله اولین جنبش تجددطلبی و اصلاح‌گری به وجود آمد که رهبری آن به عهده محمود طرزی و مهم‌ترین نماد آن نشریه مهم سراج‌الانخبار است. در اثر تلاش‌های طرزی و همکاران او در این نشریه، مردم افغانستان از پیشرفت‌های جهان آگاه شدند و مقالات سراج‌الانخبار تأثیر شگرفی بر ذهنیت مردم افغانستان به‌خصوص تحصیل‌کرده‌ها به جا گذاشت. حقوق و جایگاه زنان یکی از مسائل مورد علاقه طرزی و همفکرانش بود. اگرچه او فمینیست‌های افراطی فرانسوی را مسخره می‌کرد؛ ولی اولین افغانستانی بود که نظری نسبتاً مثبت به موضوع جایگاه و حقوق زنان داشت (گریگوریان، ۱۳۸۸: ۲۱۵). طرزی یک سری مقالات را به بحث در مورد زنان مشهور در تاریخ و توانمندی‌های آنان اختصاص داده بود. او از کمک زنان به پیشرفت علم و انسانیت سپاسگزاری می‌کرد و می‌گفت که خواندگانش در اروپا، زنانی هستند که به‌عنوان داکتر، دانشمند، نویسنده، وکیل، معلم و کارمند دولت فعالیت دارند. طرزی از حقوق زنان دفاع می‌کرد و بخشی را به حق تحصیل آنان اختصاص می‌داد؛ اما در عین حال اصرار می‌ورزید که هنوز وظیفه اصلی یک زن پرورش اولاد و اداره خانه است. طرزی که خود تک‌همسر بود، آشکارا به تعدد زوجات حمله نمی‌کرد؛ اما به‌صورت ضمنی با مطرح کردن دائم خانواده‌های ایده‌آل که از زن و شوهر و چند بچه تشکیل شده، از تعدد زوجات انتقاد می‌کرد (طرزی، سراج‌الانخبار، سال اول، ش ۳ و سال سوم، ش ۷: ۱۰-۱۱).

۲-۲. اصلاحات نافرجام امان‌الله خان

امان‌الله بعد از کشته شدن پدرش، سلطنت خود را با اعلام استقلال افغانستان و وعده اصلاحات آغاز کرد و لذا در تاریخ افغانستان نام و دوره امان‌الله (۱۹۱۹-۱۹۲۹) با پدیده‌هایی؛

چون: استقلال رسمی افغانستان، تصویب اولین قانون اساسی و اصلاحات بنیادی گره خورده است. امان‌الله که به شدت از محمود طرزی، مشاور و پدر همسرش متأثر بود، اصلاحات جدی و عمیقی را در افغانستان پایه‌گذاری کرد. در این دوره، اولین مجله زنان افغانستان یعنی «نشریه ارشادالنسوان» توسط ملکه آغاز به کار کرده و به مشکلات زنان و نقش آنان در جامعه پرداخت. دو مکتب زنانه به نام‌های مکتب مستورات و عصمت در همین زمان (۱۹۲۱) تأسیس شد. در مراسم افتتاح عصمت، ملکه از موقعیت عالی اجتماعی زنانی نام برد که در سراسر تاریخ اسلام درخشیده بودند و ابراز امیدواری کرد که آموزش زن افغان موقعیت او را بهبود بخشد و به او اجازه دهد نقش مفیدی را در جامعه بازی کند. در اثر این فعالیت‌ها تا سال ۱۹۲۸ تقریباً ۸۰۰ دختر در مکاتب کابل به‌عنوان دانش‌آموز پذیرفته شده بودند (گریگویان، ۱۳۸۸: ۳۰۲-۳۰۳).

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این دوره، تصویب اولین قانون اساسی افغانستان به‌نام «اصول‌نامه اساسی دولت علیه افغانستان» است. این قانون در سال ۱۹۲۳ میلادی، مصادف با ۱۳۰۲ شمسی، در لویه‌جرگه جلال‌آباد به تصویب رسید (فرهنگ، ۱۳۷۴: ۵۴۴). در ماده ۳ این قانون اساسی بر برابری تمام اهالی افغانستان در نظر حکومت تصریح شده است. در این قانون، ابتدا تبعه به تمام افرادی که در افغانستان می‌باشند و بدون تفکیک بر اساس دین و مذهب، تعریف شده (نظام‌نامه دولت علیه افغانستان، ۱۳۰۱: ماده ۸) و در ادامه تمام حقوقی که بیان شده برای تبعه افغانستان است. در ماده ۱۶، تمام اتباع افغانستان در برابر شریعت و نظامت دولت، در حقوق و تکالیف برابر تلقی شده است؛ بنابراین، در متن این قانون اساسی هیچ نوع نابرابری جنسیتی و تبعیض علیه زنان وجود نداشت. در نظام‌نامه‌های جزئی‌تر که در عصر امان‌الله تصویب شد، برای زنان به صراحت حقوق و امتیازات در نظر گرفته شده و تلاش شد که برخی از مصادیق تبعیض جنسیتی رفع شود؛ به‌عنوان مثال: یکی دیگر از مهم‌ترین اقدامات قانونی امان‌الله، تصویب نظام‌نامه خانوادگی (۱۹۲۱) به هدف تنظیم نامزدی‌ها و ازدواج‌ها بود. در این نظام‌نامه ازدواج‌های زودهنگام و میان‌فامیلی خیلی نزدیک، غیر قانونی و مخالف اصول اسلامی تشخیص داده شد. زنان بیوه از سلطه خانواده شوهرش آزاد اعلام شده و حق دادخواهی زنان به رسمیت شناخته شد تا در صورت عدم وفاداری شوهرانشان به اصول قرآنی، از دادگاه کمک بگیرند (گریگویان، ۱۳۸۸: ۳۰۳).

اصلاحات امان‌الله که منافع برخی از خان‌ها و ملاهای سنتی را به خطر انداخته بود و با

برداشت‌های دینی و آداب و رسوم جامعه سنتی افغانستان سازگاری نداشت، مورد اعتراض برخی از محافظه‌کاران قرار گرفت. اولین عکس‌العمل سازمان‌یافته علیه اصلاحات امان‌الله، متوجه قانون نظام‌نامه بود. علاوه بر مطالب دیگر، این قانون تلاش می‌کرد موقعیت زنان را آزادتر نماید و به دولت اجازه دهد مشکلات خانواده‌هایی را که قبلاً با ملاحای محلی مربوط می‌شد، سامان دهد. تعدادی از ملاحای سنتی آن را مخالف قانون اسلام و روح قرآن تشخیص داده و علیه قانون جدید حمله کردند. جرعه این اعتراضات توسط قبیله منگل در خوست در سال ۱۹۲۴ زده شد. رهبران مذهبی و قبیله‌ای این شورش، بر آن بخش‌های قانون اعتراض داشتند که مردان را از حاکمیت کامل بر همسران و دختران‌شان محروم می‌کرد. آن‌ها در رابطه به افتتاح مدارس عمومی برای دختران بیش‌تر خشمگین شدند (گریگویان، ۱۳۸۸: ۳۱۶). شورش خوست و اعتراضات دیگر اثرگذار بود و امان‌الله تا حدودی مجبور به عقب‌نشینی و بخش‌هایی از نظام‌نامه لغو شد. به‌عنوان مثال: در لویه‌جرگه (۱۹۲۴ میلادی و ۱۳۰۳ شمسی) قطع‌نامه ۱۹ فقره‌ای تهیه شد که در آن نکاح صغیر و تعدد زوجات جایز و تحصیل زن فقط در محدوده خانه مجاز اعلام شده بود (غبار، ۱۳۷۵: ۱۲۵۴-۱۲۵۵). دولت در حال اضطرار این قطع‌نامه را پذیرفت؛ اما عملاً اصلاحات قبلی را اجرا می‌کرد؛ اگرچه سرعت اصلاحات کاهش پیدا کرده بود.

امان‌الله و ملکه در اواخر سال ۱۹۲۷ سفر چندماهه به کشورهای متعدد خارجی رفت و به‌شدت تحت تأثیر پیشرفت و توسعه اروپا قرار گرفت. بعد از مراجعت از این سفر، امان‌الله محدوده اصلاحاتش را گسترش داده و شتاب آن را بیش‌تر کرد. بعد از سفر شاه و ملکه به اروپا، ملکه ثریا دختران مکاتب را ملاقات نمود و آن‌ها را تشویق کرد تا در از بین‌بردن حجاب^۱ کوشش نمایند. در این دوره، زنان در قالب انجمن حمایت نسوان به فعالیت اجتماعی پرداختند و اولین گروه از دانشجویان دختر برای تحصیل به ترکیه اعزام شدند. امان‌الله مصمم بود وضعیت زنان را بهبود بخشد و اصرار می‌ورزید که حمایت وی از آرمان آزادی زنان بر اساس اصول حقیقی اسلام است. در این زمینه در مدت زمان کوتاه حاکمیت خود بیش‌تر از همه نیاکان خود اقداماتی

۱. رفع یا کشف حجاب که در تاریخ افغانستان از آن صحبت می‌شود، لزوماً به‌معنای سر برهنه‌بودن نیست؛ بلکه از آن‌جایی که قبلاً به‌معنای پوشیدن برقع یا چادری بلندی بود که سراسر بدن را می‌پوشاند و حتی صورت انسان هم دیده نمی‌شود، وقتی که زنان اجازه یافتند صورت خود را آشکار سازند، از این واقعه به کشف حجاب تعبیر شده است. به‌عنوان نمونه، فرهنگ از این اتفاق با تعبیراتی چون حجاب از چهره برگرفتن و بدون روینده ظاهر شدن یاد می‌کند (افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۲، ص ۶۸۹)؛ بنابراین، کشف حجاب گاهی به‌معنای اجازه‌یافتن کشف چهره است - چیزی که امروزه حجاب نامیده می‌شود - نه لزوماً سر برهنه بودن و به‌معنای آزادی داشتن حجاب، نه الزام به نداشتن آن.

را انجام داد (گریگویان، ۱۳۸۸: ۳۰۳). او شخصاً گروه زنان را مخاطب قرار داد تا آرمان آزادی زنان را تبلیغ کنند. در آخرین ماه‌های حکومتش حمله مستقیمی علیه عرف پرده یا حجاب راه انداخته و می‌گفت نصف ملت افغانستان پنهان است (همان).

در لویه‌جرگه (۱۹۲۸ میلادی) امان‌الله پیشنهاد داد ضمن اصلاح قانون اساسی، اصلاحات جدی در زمینه‌های سیاسی، نظامی و اجتماعی به وجود بیاید. از جمله او پیشنهاد کرده بود که ازدواج زیر سن ۱۸ و ۲۲ سال برای دختر و پسر ممنوع شود. اعضای لویه‌جرگه ضمن پذیرش اصلاحات در زمینه‌های دیگر، از پذیرش اصلاحات اجتماعی سرباز زدند و در مقابل محدودیت سن ازدواج و آموزش غربی دختران در داخل یا خارج افغانستان به شدت ایستادگی کردند. سه فرمان امیر در مورد ممنوعیت تعدد زوجات برای مقامات دولتی، آزادی حجاب و الزام به پوشش لباس غربی برای همه شهروندان کابل، آشوب عمومی بزرگی خلق کرد (همان، ۳۲۳). اصلاحات امان‌الله، به‌خصوص موضع او درباره زنان بعد از مسافرت چندماهه‌اش به برخی از کشورهای اروپایی، از حالت اعتدال خارج شد و او می‌خواست جامعه سنتی افغانستان را یک‌شبه مدرن سازد؛ اما این اصلاحات شتاب‌آلود، مخالفت گروه‌های قومی و مذهبی را برانگیخت. مخالفت‌ها با اصطلاحات امانی چنان قوت یافت که او برای بازگرداندن آرامش، از برنامه‌های اصلاحی خود دست کشید و در نشست پغمان در سال ۱۹۲۸ میلادی به درخواست گروه‌های محافظه‌کار مذهبی و قومی درباره لغو اصلاحات، از جمله اصلاحات مربوط به حقوق زنان، تن داد.

در آخر حکومت امان‌الله تقریباً تمام اصلاحات قانونی به نفع زنان لغو شده بود. امان‌الله پذیرفته بود که دختران مشغول به تحصیل در قسطنطنیه را فراخواند؛ مدارس دخترانه را به سرعت تعطیل کند و به زنان اجازه ندهد بدون حجاب بیرون روند یا موی خود را قیچی بزنند (همان، ۳۲۷-۳۲۸). این عقب‌نشینی‌ها اثرگذار نبود و روحانیون، خوانین و طبقه فئودال‌ها که از اصطلاحات امانی بیش‌تر متضرر شده بودند، با تحریک احساسات دینی مردم، آنان را به قیام مسلحانه برانگیختند و با حمایت از حبیب‌الله کلکانی، سبب شدند که حکومت امان‌الله سقوط کند و اصلاحاتش نافرجام بماند.

۲-۳. دوران حکومت کمونیستی

دستاوردهای اصلاحات امان‌الله با به قدرت رسیدن حکومت حبیب‌الله کلکانی و سپس نادرشاه

نابود شد. بعداً در دهه آخر سلطنت چهل ساله ظاهرشاه که به دهه دموکراسی معروف شده است، در زمینه حقوق زنان و کاهش تبعیض جنسیتی، پیشرفت‌هایی حاصل شد؛ ولی در این‌جا مجال بحث در مورد آن نیست؛ اما دستاوردهای دوره حکومت کمونیست‌ها در این زمینه قابل توجه است که به‌صورت مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بعد از کودتای هفت ثور ۱۳۵۷، حکومت کمونیستی افغانستان در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در چهارچوب ایدئولوژی کمونیسم، سیاست‌های انبساطی در پیش گرفت و شعارهایی را به طرفداری از اقلیت‌های قومی، مذهبی و زنان سر داد. در ماده ۱۲ خط‌مشی حکومت کمونیستی، تساوی حقوقی زنان و مردان در تمام حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مدنی، به‌عنوان یکی از اصول خطی اعلام شد (کاظم، ۲۰۰۵: ۳۴۶). فرمان شماره هفت اولین رئیس‌جمهور این دوره، نورمحمد تره‌کی، درباره حقوق مساوی زنان، آموزش زنان بزرگسال و ممنوعیت شیربهای دختران بود (فرهنگ، ۱۳۷۴: ۹۳). قانون اساسی که به‌نام «اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان» در سال ۱۳۵۹ در زمان حکومت ببرک کارمل تصویب شد، هرچند فاقد ویژگی‌های قانون اساسی و بیش‌تر شبیه یک اعلامیه‌ای مملو از شعارهای مارکسیستی است؛ اما به‌دلیل این‌که برابری در ایدئولوژی مارکسیسم از جایگاه مهمی برخوردار است، در این قانون نیز بارها بر برابری همه‌جانبه تأکید شده است. در این قانون، تصریح شده است که تمام اتباع افغانستان در مقابل قانون مساوی هستند و تمام اتباع بدون درنظرداشت تعلق نژادی، زبان، جنس و... حقوق و تکالیف مساوی دارند. تساوی حقوق اتباع در تمام شئون زندگی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تأمین می‌گردد (اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان، ۱۳۵۹: ۲۸). در ماده ۲۹، فهرستی از حقوق برای همه اتباع افغانستان بیان شده است. در این قانون، برای کسب عضویت شورای عالی و شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و وزارت در حکومت، شرایط خاصی در قانون بیان نشده است و لذا با توجه به برابری که مورد تأکید این قانون است، زنان از عضویت در این نهادها قانوناً محروم نبودند.

حدود هفت سال بعد در زمان حکومت آخرین رئیس‌جمهور کمونیست، نجیب‌الله، به هدف رسیدن به مصالحه با مخالفان، قانون اساسی دیگر به‌نام «قانون اساسی جمهوری افغانستان» تصویب شد. در این قانون اساسی، شعارهای ملی و تأکید بر دین اسلام پررنگ‌تر شده است؛

اگرچه آرمان‌های کمونیستی به صورت کمرنگ‌تر هنوز وجود دارد. در خصوص برابری در ماده ۳۸ آمده است که اتباع افغانستان اعم از زن و مرد بدون در نظر داشت تعلقات ملیت، نژاد و... در برابر قانون دارای حقوق و تکالیف مساوی بوده و تعیین هر نوع امتیاز غیر قانونی و یا تبعیض نسبت به حقوق و تکالیف اتباع ممنوع است. طبق ماده ۷۳، رسیدن به مقام ریاست جمهوری برای زنان ممنوع نیست.

جدا از متون قانون اساسی، در این دوره عملاً در سطح شهرهای بزرگ، زنان در عرصه عمومی حضور چشم‌گیر و مؤثر داشتند. سلطانعلی کشتمند، نخست‌وزیر حکومت کمونیستی، در خصوص وضعیت زنان می‌نویسد: «زنان جایگاه شایسته خویش را نه به گونه نمادین و نمایشی؛ بلکه در عمل و به گونه واقعی، در دهه هشتاد احراز کردند. برابری زنان با مردان از لحاظ قانونی و در اصول اساسی افغانستان، در بسیاری از قوانین و مقررات کشوری اعلام گردیده بود... سازمان دموکراتیک زنان افغانستان بخش اعظم فعالیت خویش را وقف این امر بزرگ، آزادی زنان در خانواده و جامعه و برابری حقوق آنان با مردان ساخته بود.» (کشتمند، ۲۰۰۳م: ۸۶۵).

در طول چهارده سال حکومت کمونیست‌ها، حضور زنان و دختران در مکاتب، دانشگاه‌ها و ادارات افغانستان به گونه محسوسی افزایش یافت. در کابینه نورمحمد تره‌کی، آناهیتا راتب‌زاد وزیر کار، امور اجتماعی و جهانگردی بود. در حکومت فضل‌حق خالقیار در دوره نجیب‌الله، خانم معصومه عصمتی وردک، وزیر معارف و صالحه فاروقی اعتمادی وزیر کار و امور اجتماعی بودند. هم‌چنین در همین دوره، شورای سراسری زنان افغانستان تأسیس شد و شورای یادشده بر پایه آمار دولت در سال ۱۳۶۹ شمسی، بیش از ۱۶۰۰۰۰ عضو از زنان کارگر، کارمند، دهقان، خانه‌دار، متعلم و دانشجو داشت. آمارها از جایگاه شایسته زنان در عصر حکومت کمونیستی حکایت دارد. طبق یکی از این آمارها، تا اوایل دهه ۹۰ میلادی، یعنی اواخر حکومت کمونیستی، نیمی از کارکنان دولت، نیمی از معلمان و ۴۰٪ داکتران افغانستان را زنان تشکیل می‌دادند.^۱

کارگزاران حکومت در راستای اهداف ایدئولوژیک خود مصمم بودند که مشارکت سیاسی زنان را افزایش بدهند؛ اما ساختار جامعه مذهبی و متولیان دینی افغانستان، حتی در قلمرو حاکمیت کمونیست‌ها آن را برنخواستند. با توجه به جریان رو به رشد نیروهای جهادی، اقدامات اصلاحی

1. Woman and girls in Afghanistan, fact sheet by the Senior Coordinator for international Woman's Issues, US. Department Of State, 10 March 1998.

کمونیست‌ها، از جمله در مورد زنان، بدون توجه به ساختار مذهبی و محافظه‌کار افغانستان بود و لذا از سوی جامعه یک رشته فرمان‌های هنجارشکن و افراطی تلقی شد. فرمان شماره هفت تره‌کی که درباره حقوق مساوی زنان، آموزش زنان بزرگسال و ممنوعیت شیربهای دختران در ازدواج بود، با مخالفت عمومی به‌ویژه در شهرهای کوچک و روستاهای دورافتاده روبه‌رو شد (فرهنگ، ۱۳۷۴: ۹۶). توده مردم، دوره‌های سوادآموزی زنان را در راستای بی‌بندوباری دختران و زنان تفسیر می‌کردند. افراط‌گرایی کمونیست‌ها، به‌خصوص در رابطه با مسائل زنان، تنش‌هایی هم در درون بسیاری از خانواده‌ها و هم در جامعه به‌شدت مذهبی افغانستان به وجود آورد. به‌خصوص بعد از اعلام فرمان شماره هفتم حکومت که تحصیل زنان بی‌سواد را جبری و آموزش‌های زن و مرد را مختلط اعلام کرد، واکنش مردم بسیار تند بود (محسنی (حکمت)، ۱۳۹۰: ۶۸). ضمن این‌که به‌تدریج مجاهدین در حال پیشروی بودند و در مناطق تحت کنترل آن‌ها، به‌دلیل حاکمیت نگاه محافظه‌کارانه و تفسیرهای سستی از دین، از حضور فعال اجتماعی زنان ممانعت می‌شد.

۳. دستاوردهای نظام جدید در حوزه حقوق زنان

دستاوردها دوره حکومت کمونیست‌ها در حوزه حقوق زنان، بعد از تسلط دو نمونه از حکومت‌های اسلامی در اواخر قرن بیستم، یعنی حکومت اسلامی مجاهدین و امارت اسلامی طالبان، تقریباً به‌صورت کابل از بین رفت. در شروع قرن بیست و یک، بعد از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و به‌دنبال آن آغاز جنگ علیه تروریسم از سوی آمریکا و هم‌پیمانانش، حکومت طالبان با حمله مشترک آمریکا و نیروهای اتحاد شمال سقوط کرد و اساس نظام جدیدی در افغانستان پایه‌گذاری شد که جایگاه و حقوق زن یکی از موضوعات محوری آن به‌شمار می‌آید. در این‌جا برخی از مهم‌ترین دستاوردهای نظام جدید در زمینه برابری جنسیتی و حقوق زنان به‌صورت مختصر تشریح می‌شود.

۳-۱. معاهده بن و قانون اساسی جدید

شالوده نظام جدید افغانستان در کنفرانس بن آلمان که از تاریخ ۲۱ نوامبر تا ۵ دسامبر ۲۰۰۱ ادامه یافت، پی‌ریزی شد. از میان ۶۱ نفر اعضای رسمی و غیر رسمی کنفرانس، ۵ زن حضور داشتند و یکی از نتایج این کنفرانس، تأکید بر حضور زنان در نظام آینده بود. در این کنفرانس،

شش محور عمده امنیت، زنان، معارف، حقوق بشر، قانون اساسی و اقتصاد در جریان بازسازی افغانستان مورد بحث قرار گرفت (همان، ۸۸). در مقدمه معاهده، نبود تبعیض جنسیتی از جمله شرایط اداره موقت شمرده شده است. در بخش سوم، در مورد تعیین اعضای اداره موقت، بر مشارکت زنان در اداره موقت تأکید شده است. بر این اساس، در اداره موقت داکتر سیما سمر، به معاونت رئیس دولت و وزارت امور زنان و داکتر سهیلا صدیق به عنوان وزیر صحت عامه تعیین شدند. در بخش چهارم معاهده در مورد کمیسیون تشکیل لویه جرگه، حضور قابل توجه زنان در لویه جرگه اضطراری که بعداً تشکیل خواهد شد، مورد تأکید قرار گرفته است.

بر اساس توافق نامه بن، قانون اساسی جدید آماده و در لویه جرگه ۱۳۸۲ تصویب و در ششم دلو ۱۳۸۲ توسط رئیس جمهور دوره انتقالی، آقای حامد کرزی، تأیید شد. در جریان تصویب این قانون، پس از موضوع اسلامی بودن نظام، دومین موضوعی که به صورت جدی جنجالی شده و بیشترین گفت و گو در مورد آن انجام شد، مسأله حقوق و جایگاه زن در نظام سیاسی آینده افغانستان بود (علیزاده، ۱۳۸۳: ۳۲۶). در اثر این گفت و گوها و فشارهایی که از ناحیه نمایندگان سازمان ملل متحد و کشورهای غربی بر نمایندگان لویه جرگه وارد می گردید، در این قانون اساسی، برابری جنسیتی و حقوق زنان از جایگاه ممتازی برخوردار شده است؛ حتی در مواردی با توجه به ستمی که در گذشته ها نسبت به زنان روا رفته بود، با پیش بینی تبعیض مثبت برای زنان، قانون اساسی کنونی در مورد حقوق زنان رویکرد جبرانی در پیش گرفته است.

در مقدمه قانون اساسی بر رعایت منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز کرامت و حقوق انسانی تأکید شده است. در ماده ۶، حفظ کرامت انسانی و حمایت از حقوق بشر از تکالیف دولت شمرده شده است. در ماده ۷، این مطلب که دولت منشور ملل متحد، معاهدات و میثاق های بین المللی که افغانستان عضو آن است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت خواهد کرد، یک بار دیگر مورد تأیید قرار گرفته است. مفاهیم به کار رفته در این فرازاها، بیانگر هنجارهای بین المللی حقوق بشر است که برابری جنسیتی و تأمین حقوق زنان بخشی از آن را تشکیل می دهد.

در ماده ۲۲ قانون اساسی، هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع شده و صریحاً بیان شده است که اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و تکالیف مساوی هستند. «در این ماده به برابری زن و مرد در برابر قانون تصریح شده است. در نتیجه، طبق اصل

پیروی قوانین عادی از قانون اساسی، در آینده هیچ قانونی نمی‌تواند در افغانستان تصویب شود که بین زن و مرد تبعیض قائل شود.» (علامه، ۱۳۸۷: ۷۵).

در ماده ۳۳، همه اتباع افغانستان دارای حق انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن محسوب شده‌اند و از این طریق راه مشارکت سیاسی زنان از پایین‌ترین مرحله، یعنی رأی‌دهی تا بالاترین سطح، یعنی نامزد و انتخاب‌شدن برای ریاست جمهوری، نمایندگی و ریاست مجالس شورای ملی (مجلس نمایندگان و سنا)، باز شده است. در این قانون، برای کسب بالاترین مقام کشور، یعنی ریاست جمهوری (قانون اساسی، ماده ۶۲)، وزارت (قانون اساسی، ماده ۷۲)، نمایندگی شورای ملی (مجلس نمایندگان و مجلس سنا) (قانون اساسی، ماده ۸۵)، عضویت در دادگاه عالی (ستاره محکمه) (قانون اساسی، ماده ۱۱۷) و هر شغل دولتی دیگر (قانون اساسی، ماده ۵۰) زنان حق برابر دارند و هیچ منعی پیش‌بینی نشده است. با توجه به نابرابری‌های شدیدی که در گذشته بوده، در انتخاب نمایندگان پارلمان، تبعیض مثبت به نفع زنان پیش‌بینی شده است و لذا طبق فرمول قانون انتخابات، از هر ولایت حداقل یک‌چهارم نمایندگان از میان زنان انتخاب می‌شود و باقی‌مانده می‌تواند زن یا مرد باشد (قانون اساسی، ماده ۸۳ و قانون انتخابات، ماده ۲۳). در مورد یک‌سوم اعضای مجلس سنا که توسط رئیس جمهور منصوب می‌شوند، در قانون پیش‌بینی شده که نصف‌شان باید از میان زنان باشد (قانون اساسی، ماده ۸۴). برای حضور زنان در شوراهای ولایتی و ولسوالی نیز تبعیض مثبت در نظر گرفته شده است (قانون انتخابات، مواد ۳۱ و ۳۶).

۲-۳. تأسیس نهادهای حمایتی

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای نظام سیاسی جدید در افغانستان، ایجاد برخی نهادهای حمایتی مرتبط به جایگاه و حقوق زنان در جامعه است. در این جا به معرفی مختصر دو نهاد مهم حمایتی، یعنی وزارت امور زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، پرداخته می‌شود.

۱-۲-۳. تأسیس وزارت امور زنان

سابقه نهاد مخصوص امور زنان به سال ۱۳۲۲ش، زمان سلطنت محمدظاهر شاه، می‌رسد؛ زمانی که اتحادیه بیست عضوی زنان نهادی را به نام «مؤسسه عالی نسوان» به منظور آموزش و روشنگری زنان افغانستان در ساحه مرکزی شهر کابل ایجاد کردند. این نهاد در طول هفتاد سال تغییرات زیادی را شاهد بوده است تا این که بر اساس توافقات کنفرانس بن، در چارچوب اداره

موقت افغانستان، وزارت امور زنان ایجاد شده و کارمندان زن و مرد مؤسسه عالی نسوان مجدداً جذب شدند. این وزارت دارای ۹ ریاست مرکزی و ۳۴ ریاست امور زنان در ولایات است. اولین مقررۀ تنظیم اجرائیات و فعالیت‌های وزارت امور زنان به حیث اداره مرکزی در چهار فصل و ۲۴ ماده به اساس مصوبۀ شماره ۳ تاریخ ۱۳۸۳/۱/۱۷ مجلس عالی وزرا تصویب و به اساس فرمان شماره ۲۶ تاریخ ۱۳۸۳/۳/۴ ریاست دولت انتقالی اسلامی افغانستان منظور گردید. طبق مادۀ سوم این مقررۀ، «زارت امور زنان از تطبیق مشی سیاسی و اجتماعی دولت جهت تأمین و توسعه حقوق مشروع زنان در کشور و رعایت قانونمندی در زندگی آن‌ها در ساحۀ فعالیت خویش مسئول می‌باشد.» ([www.http://mowa.gov.af/fa/page/1332](http://mowa.gov.af/fa/page/1332)).

وزارت امور زنان به‌مثابه اداره دولتی برنامه‌ساز، هماهنگ‌کننده، جهت‌دهنده و نظارت‌کننده فعالیت‌های ادارات دولتی، در همکاری با جامعه مدنی و نهادهای بین‌المللی که در قلمرو افغانستان برای زنان کار می‌کنند، مشغول فعالیت است. این وزارتخانه یک مرجع دولتی در سطح کشور است که سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های کاری کوتاه‌مدت و درازمدت مربوط به زنان را در ابعاد مختلف حقوقی، سیاسی، اقتصادی، آموزشی و بهداشتی تدوین نموده و با همکاری دیگر وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی برنامه‌های خود را اجرایی می‌کند.

۲-۳. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

تأسیس یک نهاد ملی مستقل حقوق بشری به‌منظور حمایت از حقوق بشر و نظارت بر رعایت آن، در معاهده بن پیش‌بینی شده (معاهده بن، بخش سوم، بند ج، ش ۵) و سپس در قانون اساسی جدید گنجانده شده است (قانون اساسی، مادۀ ۵۸). برای بیان اهداف، وظایف، محدوده صلاحیت‌ها و اختیارات این کمیسیون، در بهار ۱۳۸۴ «قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان» در کابینه دولت تصویب و توسط رئیس‌جمهور ابلاغ شد. طبق مادۀ پنجم این قانون، اهداف کمیسیون عبارت است از: (۱) نظارت بر رعایت حقوق بشر در کشور؛ (۲) تعمیم و حمایت از حقوق بشر؛ (۳) نظارت از وضعیت و چگونگی دسترسی افراد به حقوق و آزادی‌های بشری؛ (۴) بررسی و تحقیق از تخلفات و موارد نقض حقوق بشر؛ (۵) اتخاذ تدابیر به‌منظور بهبود و انکشاف وضعیت حقوق بشر در کشور.

در مادۀ ۲۱ قانون تشکیل این کمیسیون، حدود ۳۵ فقره به‌عنوان وظایف و صلاحیت‌های

کمیسیون ذکر شده و طبق آن، تمام فعالیت‌های مربوط به رعایت حقوق بشر در سطح کشور به این کمیسیون محول شده است. استقلال این کمیسیون از دیگر نهادهای دولتی و ریاست آن توسط فعال حقوق بشر شناخته شده بین‌المللی داکتر سیما سمر از عوامل موفقیت این نهاد در این سال‌ها بوده است.

این کمیسیون علاوه بر دفتر مرکزی کابل، ۸ دفتر ساحوی و ۶ دفتر ولایتی در مناطق دیگر دارد و دارای بخش‌های مختلف کاری است و از آن جمله می‌توان به «بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان» اشاره کرد (<http://www.aihrc.org.af/fa/offices>). بخش حمایت از حقوق زنان به‌خاطر نیل به اهداف عمومی کمیسیون، جهت اجرایی شدن حمایت‌های قانونی مندرج در قانون اساسی برای زنان ایجاد شده است. این بخش، تدابیر قانونی برای اصلاح قوانین و مقررات را به دولت پیشنهاد می‌کند و در زمینه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مربوط به زنان به دولت مشورت می‌دهد. یکی از مهم‌ترین کارکرد این بخش، ثبت و پیگیری شکایاتی است که از سوی زنان بزه‌دیده صورت می‌گیرد. این کمیسیون هم‌چنین وضعیت حقوق بشر و حقوق زنان را به نهادهای نظارتی سازمان ملل گزارش می‌دهد (ماهانمه حقوق بشر، ش ۷، ص ۴).

۳-۳. تصویب معاهدات و قوانین حمایتی

یکی از دستاوردهای مهم دوره جدید، الحاق دولت افغانستان به مهم‌ترین سند بین‌الملل در حوزه حقوق زنان، یعنی «کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان»، است که در تاریخ ۵ مارس ۲۰۰۳ اتفاق افتاد. دولت افغانستان سند الحاق را بدون حق شرط امضا نموده و رسماً به عضویت این سند مهم حقوق بشری درآمده است. با الحاق افغانستان به این کنوانسیون، از نظر قانونی زمینه مبارزه با تبعیض جنسیتی فراهم‌تر شده است. طبق گزارش دولت افغانستان به کمیته رفع تبعیض علیه زنان، مفاد این کنوانسیون در قوانین، مقررات و سیاست‌گذاری‌های دولت گنجانده شده است. در این گزارش، دولت افغانستان از قوانین مختلف نام می‌برد که مفاد این کنوانسیون را در بخش‌های مربوطه در نظر گرفته و چارچوب عملی را برای تطبیق آن ایجاد کرده است (وزارت امور خارجه افغانستان، ۱۳۹۰: ۹).

از دیگر دستاوردهای مهم این دوره، تدوین و اجرایی شدن قانون منع خشونت علیه زنان در سال ۱۳۸۸ است. این قانون توسط فرمان تقنینی نافذ گردیده و از نظر قانونی لازم‌الاجرا

است. در این قانون با ادبیات صریح و روشن که از امتیازات قانون‌نویسی است، علاوه بر ارائه تعریف خشونت، مصداق‌های خشونت نیز بیان شده است. این قانون هم‌چنین تبعیض علیه زنان را محکوم نموده و نهادهای مختلف دولتی مکلف شده‌اند تا در جهت رفع تبعیض علیه زنان اقدامات مؤثری انجام دهند.^۲ در این راستا تا حدودی بر فرهنگ‌سازی و بسترسازی جهت رفع خشونت علیه زن از طریق اقدامات پیش‌گیرانه و حمایتی تأکید صورت گرفته است. از دیگر امتیازات این قانون این است که کمیونی را مسئول پیگیری آن قرار داده و در وزارت امور زنان هر ماه یک‌بار جلساتی برای اجرایی‌شدن و پیگیری آن تشکیل می‌شود ([www.http://mowa.gov.af/fa](http://www.gov.af/fa) و محسنی (حکمت)، ۱۳۹۰: ۳۴۴).

در ادامه این روند حمایت قانونی از زنان، در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۱۴ مقررۀ منع آزار و اذیت زنان و اطفال به تصویب شورای وزیران رسید. در این مقررۀ، آزار و اذیت زنان و کودکان جرم‌انگاری شده و برای ارتکاب آن مجازات تعیین شده است. کمی بعد محتوای همین مقررۀ با برخی تغییرات در قالب قانون مطرح شده و متن قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال در ۱۹ عقرب سال ۱۳۹۵ توسط ولسی جرگه و در ۵ جدی سال ۱۳۹۵ توسط مجلس سنا به تصویب رسید. البته متن این قانون هنوز به توشیح رئیس جمهور نرسیده است و به همین دلیل، در مورد لازم‌الاجرا بودن آن هنوز اختلاف نظر وجود دارد.

۳-۴. مشارکت عملی زنان در عرصۀ عمومی

تاسیس ۱۳۹۴

از سال ۱۳۸۱ تا کنون در حکومت جدید افغانستان، زنان در تمام تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز سهم و مشارکت داشته‌اند. از جمله از میان ۲۱ عضو کمیسیون تشکیل لویه جرگۀ اضطراری ۳ نفر و از میان ۱۵۰۱ عضو لویه جرگه ۱۶۰ نفر زن بوده‌اند و یکی از زنان عضو لویه جرگه خانم سیما سمر به‌عنوان معاون اول رئیس لویه جرگه انتخاب شد (کاظم، ۲۰۰۵م: ۵۱۶). در انتخابات ریاست دولت انتقالی یکی از کاندیدها به نام مسعوده جلال زن بوده و در کابینۀ انتقالی، برای دو وزارت امور زنان و صحت عامه وزیران زن انتخاب شدند و خانم سیما سمر نیز به ریاست کمیسیون مستقل حقوق بشر منصوب شد (محسنی (حکمت)، ۱۳۹۰: ۸۹). در کمیسیون‌های تدوین و بازبینی قانون اساسی ۱۳۸۲ زنان نقش فعال داشته‌اند. ضمناً برای تدقیق بیش‌تر حقوق زنان، کمیته ویژه‌ای مرکب از ۳۰ زن به ریاست محبوبه حقوق‌مطل تشکیل شده بود که برخی از پیشنهادها این کمیته در نسخه نهایی قانون اساسی لحاظ شده است (کاظم،

با الهام از آزادی‌های مندرج در قانون اساسی، زنان در نخستین انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در دوره جدید به گونه چشم‌گیری شرکت کردند. در این دوران، زنان خود را برای انتخابات مجلس شورای ملی و شوراهای ولایتی نامزد کردند و به این نهادها راه یافتند. حبیبه سرابی به عنوان نخستین والی زن در ولایت بامیان و خانم عذرا جعفری به عنوان نخستین شهردار زن در نیلی مرکز دایکندی مشغول به کار شدند. در دومین انتخابات ریاست جمهوری نیز دو خانم نامزد بودند. در صد مهمی از کرسی‌های نمایندگی در شورای ملی به زنان اختصاص دارد و در این دوران زنان به قضاوت هم مشغول شده‌اند. تنها نهاد حکومتی که در برابر حضور زنان مقاومت کرده است، دادگاه عالی (ستره محکمه) افغانستان است. هرچند از نظر قانونی هیچ مانعی برای عضویت زنان در دادگاه عالی وجود ندارد، رئیس جمهور قبلی هیچ خانمی را برای عضویت در این نهاد معرفی نکرد. رئیس جمهور کنونی آقای اشرف غنی بر اساس وعده‌هایی که در زمان مبارزات انتخاباتی داده بود، خانم انیسو رسولی را برای عضویت در این نهاد به پارلمان معرفی کرد؛ اما خانم رسولی نتوانست نظر مثبت نمایندگان را جلب کند.

اکنون یک سوم شوراهای ولایتی به زنان اختصاص دارد. افزون بر این حضور زنان در ادارات دولتی، نیروهای دفاعی و امنیتی و مؤسسه‌های غیر دولتی پررنگ‌تر شده و تا کنون چند حزب سیاسی به رهبری زنان، در مرکز ثبت و انسجام احزاب و گروه‌ها به ثبت رسیده است. زنان افغانستان در نهادهای مدنی، رسانه‌ها و مؤسسات آموزشی حضور جدی و مؤثر داشته‌اند. در دانشگاه کابل یک رشته دانشگاهی در مقطع ماستری به نام «جنسیت و مطالعات زنان» در دانشگاه فعال شده است که هدف آن تحقق برابری جنسیتی در این کشور است. این رشته از دو سال قبل تأسیس شده و نخستین گروه دانش‌آموختگان این رشته شامل ۲۱ دانشجو که ۷۰٪ آنان زن بوده‌اند، در زمستان ۱۳۹۶ فارغ‌التحصیل شده‌اند (<http://www.bbc.com/persian/>) ۴۲۵۵۵۷۲۳-afghanistan).

۴. چالش‌های فراروی حقوق زنان در افغانستان

با وجود این دستاوردهای غیر قابل انکار، دستیابی به این نتایج به معنای رسیدن وجود وضعیت مطلوب نیست؛ بلکه هنوز در افغانستان، تبعیض‌های شدیدی بر اساس جنسیت اعمال

شده و زنان شاهد نقض گسترده حقوق‌شان هستند. نهادهای بین‌المللی حقوق بشری نیز در گزارش‌های خود در سال‌های اخیر ضمن اشاره به پیشرفت‌های نسبی زنان، وضعیت کنونی آنان را هنوز نامطلوب می‌دانند و معتقدند نداشتن مصونیت قانونی، تهدید از سوی طالبان و دیگر گروه‌های مسلح و زندانی شدن دختران و زنان به اتهام فرار از خانه از سوی حکومت و مرگومیر مادران هنگام زایمان، از مشکلات جدی زنان افغانستان هستند.^۱ هنوز هم ازدواج اجباری و زودهنگام، از مهم‌ترین مشکلات فراروی زنان افغانستان است.^۲ در تازه‌ترین گزارش مؤسسه جورج‌تاون برای زنان، صلح و امنیت، وضعیت زنان در ۱۵۰ کشور جهان بر مبنای ۴ شاخص «عدالت، امنیت، تبعیض علیه زنان و میزان مشارکت ملی» رتبه‌بندی شده است و بر اساس این رده‌بندی، افغانستان و سوریه بدترین کشورهای جهان برای زنان هستند.^۳

در این جا به‌عنوان نمونه، به برخی از مهم‌ترین چالش‌های در حوزه حقوق زنان پرداخته می‌شود.

۴-۱. وضعیت موجود پدیده وارداتی و ناپایدار

دستاوردهای جدید در مورد جایگاه زنان، محصول خالص اندیشه و فعالیت اندیشمندان و سیاست‌مداران افغانستان نیست؛ بلکه تحت تأثیر عوامل خارجی، اعم از نمایندگان نهادهای بین‌المللی و کشورهای خارجی، به وجود آمده است. شعارهایی که از طرف دولت و جامعه جهانی در مورد حقوق زن و تبعیض جنسیتی داده می‌شود و در قوانین افغانستان گنجانده شده است، با واقعیت‌های جامعه افغانستان هم‌خوانی ندارد. به گفته برخی از کارشناسان، وقتی که همسران مقامات عالی‌رتبه دولتی از دید دوربین‌ها پنهان می‌شوند، معلوم است که واقعیت‌های درونی جامعه افغانستان غیر از آن چیزی است که شعار داده می‌شود. از عدم مشارکت همسران اکثر دولت‌مردان عالی‌رتبه در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، می‌توان نتیجه گرفت که این دولت‌مردان به مشارکت زنان در عرصه عمومی جامعه چندان اعتقاد جدی ندارند (ماهنامه حقوق

1. HUMAN RIGHTS WATCH, WORLD REPORT 2012 EVENTS OF 2011, PP. 288-293, WWW.HRW.ORG.

2. CAROL J. RIPHENBURG, POST-TALIBAN AFGHANISTAN: CHANGED OUTLOOK FOR WOMEN?

ASIAN SURVEY, VOL. 44, No. 3 (MAY/JUNE 2004), P. 406, PUBLISHED BY: UNIVERSITY OF CALIFORNIA PRESS.

3. Goergetown institute for women, peace and security, Women, Peace and Security index, 2017-2018, page No.22 <https://giwps.georgetown.edu/wp-content/uploads/2017/10/WPS-Index-Report-2017-18.pdf>

بشر، ۱۳۸۵: ش ۱۰، ۸)؛ بنابراین، پیشرفت‌هایی که در خصوص زنان به وجود آمده، اصلاحاتی است که در عمق جامعه نفوذ نکرده و به شهرهای بزرگ و قشر تحصیل کرده محدود است. این اصلاحات به صورت دستوری و تا حدودی تحمیلی ایجاد شده و به همین دلیل، شکننده است و با نبود عوامل خارجی ممکن است از بین برود.

نکته دیگر در خصوص وضعیت موجود، عدم فراگیری پیشرفت‌های به دست آمده در کل افغانستان است. بسیاری از مناطق جنوبی و شرقی و در سال‌های اخیر مناطق شمالی افغانستان عملاً تحت تأثیر حضور طالبان هستند و طالبان از راه‌های مختلف، زنان و دخترانی را که در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و آموزشی مشغول هستند، مورد تهدید و حمله قرار می‌دهند.^۱ ناپایداری وضعیت متزلزل دستاوردهای جدید برابری جنسیتی، نیز امر قابل توجهی است. این مطلب زمانی بیش تر احساس شد که از چند سال پیش زمزمه مصالحه با طالبان به گوش رسید و تا کنون فعالیت‌هایی در این مورد در جریان بوده است. بسیاری از فعالان حقوق مدنی و مدافعان حقوق بشر نگرانی دارند که در جریان صلح با طالبان، حقوق زنان وجه‌المصالحه قرار بگیرد. در سال ۲۰۱۰ که زمزمه مصالحه با طالبان به صورت جدی تر مطرح شد، سازمان دیدبان حقوق بشر با نشر گزارشی با عنوان «طالبان ده دالری و حقوق زنان، زنان افغان و خطرات ناشی از جذب مجدد و مصالحه» نگرانی شدید خود را از قربانی شدن حقوق زنان در جریان مصالحه ابراز داشت و پیشنهادهایی را در این خصوص مطرح کرده است.^۲

۲-۴. تعارض با برداشت‌های حاکم دینی

واقعیت این است که برابری جنسیتی که در قانون اساسی و قوانین جدید ایجاد شده و زمینه مشارکت فعال زنان در جامعه فراهم شده است، توسط اکثر نهادهای دینی و افراد متدین افغانستان مخالف احکام دینی قلمداد می‌شود. این نهادها و افراد برابری کامل حقوق زن و مرد را برخلاف ارزش‌های اسلامی و مضر به حال اجتماع می‌دانند؛ به عنوان مثال: در جریان جنجال‌ها و کشمکش‌هایی که در مورد احوال شخصیه اهل تشیع به وجود آمد، پیشنهادهای فعالان مدنی و مدافعان حقوق بشر مبنی بر تدوین قانون احوال شخصیه بر مبنای ارزش‌های حقوق بشری و

1. HUMAN RIGHTS WATCH, THE "TEN-DOLLAR TALIB" AND WOMEN'S RIGHTS, AFGHAN WOMEN AND THE RISKS OF REINTEGRATION AND RECONCILIATION, PP.24-33.

2. IBID, P.35-54.

برابری جنسیتی، از سوی برخی نهادهای دینی، مخالف ارزش‌ها و احکام اسلامی تلقی می‌شد (<https://da.azadiradio.com/a/1771216.html>). در اواخر حکومت رئیس جمهوری قبلی که نمایندگان زن پارلمان تلاش داشتند قانون منع خشونت علیه زنان را به تصویب پارلمان برسانند، بسیاری از وکلا که سابقه تحصیل در مدارس دینی داشتند، با استناد به احکام دینی، با تصویب این قانون در پارلمان مخالفت کردند؛ از جمله آقای عبدالستار خواصی ضمن مخالفت با تصویب فرمان تقنینی گفت که باید روشن شود که رئیس جمهوری افغانستان چرا قانونی را که در شش مورد برخلاف شریعت و کلام خدا است، امضا کرده است (<http://www.bbc.com/persian/>) (afghanistan). نمونه دیگر این که در حکومت کنونی، زمانی که سیما جوینده به عنوان والی غور تعیین شد، برخی از علمای آن ولایت در اعلامیه‌ای با استناد به برخی متون دینی، با ولایت خانم جوینده مخالفت کردند (<http://8am.af>).

به هر حال، احساس تعارض میان ارزش‌های حقوق بشری از جمله برابری جنسیتی از یک‌طرف و احکام اسلامی از طرف دیگر، یکی از چالش‌های عمده مسأله حقوق زنان بوده و یکی از زمینه‌های توجیه‌کننده تبعیض جنسیتی در افغانستان است. با توجه به عمق نفوذ دین در زندگی مردم، این احساس تعارض اکثراً به ضرر هنجار مخالف با برداشت دینی مردم تمام شده و باعث ضعف یا نابودی کامل این نوع هنجارها می‌شود (حیدری، ۱۳۹۶: ۲۳۰).

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

۴-۳. تناقض در نظام قانونی

اساس نظام جدید افغانستان بر اساس معاهده بن و قانون اساسی جدید مصوب ۱۳۸۲ گذاشته شده است. در لویه جرگه‌ای که این قانون اساسی را تصویب نمود، از یک‌طرف اکثریت اعضا را رهبران و طرفداران مجاهدین افغانستان تشکیل می‌داد و آن‌ها از نظر فکری به دنبال اجرای احکام شریعت اسلامی در همه زمینه‌ها از جمله در مورد حقوق زنان بودند و از طرف دیگر، برخی از اعضای روشنفکر لویه جرگه و نمایندگان سازمان ملل متحد و کشورهای خارجی می‌خواستند ارزش‌های نظام بین‌الملل حقوق بشر که از مهم‌ترین اصول آن برابری جنسیتی است، در قانون اساسی لحاظ شود. در نتیجه تقابل این دو طرز تفکر، در قانون اساسی دو بخش ظاهراً متعارض تصویب شده است. از طرفی به عنوان نمونه در ماده ۳ قانون اساسی آمده است که قوانین افغانستان نباید مخالف اسلام باشد و از طرف دیگر در بسیاری از مواد قانون اساسی بر ارزش‌های حقوق بشری و برابری میان زن و مرد تأکید شده است و در همین راستا

افغانستان در سال ۲۰۰۳ بدون هیچ حق شرط به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ملحق شد که هدف آن، ایجاد برابری کامل حقوقی میان زن و مرد است. در نتیجه، اساس نظام قانونی افغانستان دچار تعارض بوده و چنان‌که در جریان تصویب قانون احوال شخصیه اهل تشیع مشاهده شد، طرفداران هرکدام از این دو اندیشه بر بخشی از قانون اساسی تأکید داشته و دارند (همان، ۲۳۱).

۴-۴. نفوذ عمیق آداب و رسوم تبعیض‌آمیز

با تمام پیشرفت‌هایی که در قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری‌های کلان صورت گرفته، به‌عنوان یک واقعیت خارجی، به‌خصوص در روستاها و مناطق دورافتاده، این هنجارها و آداب و رسوم ظالمانه سنتی است که بر سرنوشت زنان حاکمیت دارد و هنوز رسوم غیر انسانی زیادی رایج است که زنان افغانستان محکوم آن هستند. علی‌رغم خوش‌بینی‌های قبلی، دلیل این‌که بعد از سقوط طالبان در متن جامعه افغانستان وضعیت زنان بهبودی چشم‌گیری نداشته، این است که بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای سنتی ریشه‌دار جامعه علت وضعیت نابرابر زنان است.^۱ طبق گزارش افغانستان به کمیته رفع تبعیض علیه زنان، هنوز مطابق آداب و رسوم تبعیض‌آمیز، زنان برخورد ناسالم صورت می‌گیرد. وضع محدودیت در قبال برخورداری زنان از حقوق قانونی و دسترسی به محاکم در تمام افغانستان مبتنی بر پایه‌های فرهنگی بوده و خروج زن از خانه بدون اجازه شوهر، یک نوع هنجارشکنی محسوب می‌گردد. رسم و رواج‌های مردسالارانه از عواملی است که حق آزادی رفت‌وآمد زنان مطابق قانون را با محدودیت روبه‌رو می‌سازد.^۲

خانواده‌های افغانستان هنوز هم الگوهای متفاوتی برای جامعه‌پذیری زنان و دختران دارند. خانواده‌ها از همان ابتدای کودکی پسران را برای نقش‌های بیرون از خانه، مانند تجارت، کسب درآمد و ایجاد شبکه‌های ارتباطی، آماده می‌کنند؛ اما دختران را برای نقش‌های درون خانه، مثل آشپزی و مراقبت از کودکان، جامعه‌پذیر می‌کنند. این جامعه‌پذیری متفاوت دختران نسبت به پسران باعث می‌شود که پسران با توجه به نقش‌هایی که به عهده دارند، از اقتدار و منزلت بیش‌تر

1. ZIBA MIR-HOSSEINI, MUSLIM WOMEN'S QUEST FOR EQUALITY: BETWEEN ISLAMIC LAW AND FEMINISM, CRITICAL INQUIRY, VOL. 32, NO. 4 P. 630.

۲. وزارت امور خارجه افغانستان، گزارش مقدماتی و دوم دوره‌ای به کمیته رفع تبعیض علیه زنان، ص ۶، بند ۱۷.

و بالاتر برخوردار شوند. این اقتدار بیش تر که از سوی زنان نیز پذیرفته شده است، باعث بسیاری از نابرابری‌ها هم در درون خانواده و هم در سطح جامعه افغانستان شده است (معمدی، ۱۳۹۱: ش ۱۰، ۳۹). در نتیجه در افغانستان هنوز نگاه تحقیرآمیز نسبت به جنس زن وجود دارد: مرد در خانواده حاکمیت مطلق دارد، خشونت جنسی فراوان است و سنت‌های نادرست مانند ازدواج بدون رضایت، محرومیت از ارث و محرومیت از حق طلاق در برخی از مناطق شیوع دارد. وجود آداب و رسوم فرهنگی از چالش‌های تطبیق کامل کنوانسیون حقوق زنان بوده و با وجود عرف و فرهنگ ناپسند، زنان نمی‌توانند به درستی از حقوق خود بهره‌مند شوند.^۱

نتیجه‌گیری

به عنوان نتیجه این نوشتار و جمع‌بندی مطالبی که ارائه شد، می‌توان نکات ذیل را مطرح کرد: الف. برابری و ممنوعیت تبعیض بر اساس جنسیت، در بسیاری از اسناد حقوق بشری مورد تأکید قرار گرفته و اسناد بین‌المللی بیانگر این هنجار مهم حقوق بشری، از ابتدای تأسیس نظام حقوق بشر تا کنون از نظر کمی و کیفی روند تکاملی داشته است. نقطه اوج تأکید بر ممنوعیت تبعیض جنسیتی، تدوین، تصویب و لازم‌الاجرا شدن «کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان» است. با تفسیری که کمیته‌های ناظر از اسناد حقوق بشری ارائه کرده‌اند، قلمرو تعهد دولت‌های عضو در مورد ممنوعیت تبعیض جنسیتی، شامل گستره وسیع از تعهدات شده و آن‌ها وظیفه دارند در حوزه‌های حقوق سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با تبعیض جنسیتی مبارزه نموده و برابری جنسیتی را به صورت شکلی و ماهوی تأمین نمایند.

ب. تحول حقوق زن در افغانستان تحول تدریجی و طبیعی نبوده و در جریان تحولات، فراز و نشیب‌های زیادی مشاهده می‌شود. حقوق زنان مدت‌ها تحت تأثیر جدی آداب و رسوم فرهنگ قبیله‌ای بود تا این که امان‌الله خان تحت تأثیر اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه محمود طرزی اصلاحاتی در این زمینه به وجود آورد؛ اما این اصلاحات هم به علت عدم آمادگی جامعه افغانستان برای اصلاحاتی دستوری و پرشتاب، نافرجام ماند و بعد از او در عصر حبیب‌الله کلکانی و نادرشاه، آداب و رسوم قبیله‌ای و برداشت‌های محافظه‌کارانه از دین، دوباره بر سرنوشت زن افغانستان حاکم شد. در حکومت کمونیست‌ها یک‌بار دیگر احقاق حقوق زن بدون توجه به

۱. وزارت امور خارجه افغانستان، گزارش مقدماتی و دوم دوره‌ای به کمیته رفع تبعیض علیه زنان، ص ۱۵، بند ۵۰.

وضعیت فرهنگی جامعهٔ شدیداً سنتی و متدین افغانستان شروع شد؛ اما با شکست کمونیست‌ها، افراط‌گرایی آن‌ها در مورد زن با تفریط شدید مجاهدین و طالبان جایگزین شد.

ج. در دوران پس از طالبان و در نظام سیاسی کنونی، پیشرفت‌های قابل توجهی در حوزهٔ پالیسی‌سازی، نهادسازی، قانون‌گذاری در حمایت از برابری جنسیتی و ارتقای جایگاه زنان در جامعه ایجاد شده است؛ اما ریشه‌های تبعیض جنسیتی در افغانستان قوی‌تر از آن است که به آسانی برکنده شود. هنوز چالش‌هایی وجود دارد و زمینه‌های انکارناشدنی فراهم است که می‌توانند مبنای توجیهی برای تبعیض جنسیتی و تضییع حقوق انسانی زنان باشند. به همین دلیل، هنوز هم افغانستان یکی از بدترین کشور جهان برای زنان است.

منابع

۱. آقابخشی، علی و مینو افشاری‌راد (۱۳۸۳)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات چاپار.
۲. اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان، مصوب ۱۳۵۹.
۳. حیدری، مختارحسین (۱۳۹۶)، حقوق بشر، نشر واژه.
۴. خانی، فضیله (۱۳۸۵)، جنسیت و توسعه، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۵. دولت‌آبادی، بصیراحمد (۱۳۸۱)، شناسنامه افغانستان، تهران، انتشارات محمدابراهیم شریعتی افغانستانی (عرفان).
۶. رامین، علی و دیگران (۱۳۸۹)، دانشنامه دانش‌گستر، تهران، مؤسسه دانش‌گستر روز.
۷. رواسیان کاشی، سمیه (۱۳۸۸)، فصل مشترک تبعیض‌ها: بررسی کنوانسیون زنان، تهران، نشر شیرازه.
۸. طرزی، محمود، سراج‌الخبار، سال اول، شماره ۳، و سال سوم، شماره ۷.
۹. طنین، ظاهر (۱۳۸۳)، افغانستان در قرن بیستم، تهران، انتشارات محمدابراهیم شریعتی افغانستانی (عرفان).
۱۰. علامه، غلام‌حیدر (۱۳۸۷)، جایگاه حقوق بشر در قانون اساسی افغانستان، تهران، انتشارات عرفان.
۱۱. علیزاده، احمد (۱۳۸۳)، فرایند شکل‌گیری قانون اساسی افغانستان، ج ۴، کابل، کمیسیون حقوق بشر.
۱۲. غبار، میر غلام‌محمد (۱۳۷۵)، افغانستان در مسیر تاریخ، قم، مؤلف با همکاری صحافی احسانی.
۱۳. فرهنگ، میر محمدصدیق (۱۳۷۴)، افغانستان در پنج قرن اخیر، قم، انتشارات محمد وفایی.
۱۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب ۱۳۸۲.
۱۵. کاتب، فیض‌محمد (۱۳۷۲)، سراج التواریخ، تهران، مؤسسه مطالعات و انتشارات بلخ.
۱۶. کاظم، عبدالله (۲۰۰۵ میلادی)، زنان افغان زیر فشار عنعنه و تجدد (یک بررسی تاریخی)، کالیفرنیا.
۱۷. کریون، متیو سی. آر (۱۳۸۷)، چشم‌اندازی به توسعهٔ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی،

ترجمه محمد حبیبی مجنده، قم، سازمان انتشارات دانشگاه مفید.

۱۸. کشتمند، سلطانعلی (۲۰۰۳ میلادی)، یادداشت‌های سیاسی و رویدادهای تاریخی، کابل، مطبعه میوند، چاپ دوم.
۱۹. گریگوریان، وارتان (۱۳۸۸)، ظهور افغانستان نوین، ترجمه علی عالمی کرمانی، تهران، انتشارات محمدابراهیم شریعتی افغانستانی (عرفان).
۲۰. محسنی (حکمت)، محمدآصف (۱۳۹۰)، زنان در افغانستان (فرصت‌ها، چالش‌ها و راه‌کارها)، قم، المصطفی.
۲۱. معتمدی، زهرا (۱۳۹۱)، نابرابری‌های جنسیتی، ماهنامه حقوق بشر، سال دهم، شماره ۱۰.
۲۲. نظام‌نامه اساسی دولت علیه افغانستان، مصوب ۱۳۰۱ هجری.
۲۳. وزارت امور خارجه افغانستان (۱۳۹۰)، گزارش مقدماتی و دوم دوره‌ای به کمیته رفع تبعیض علیه زنان.
24. Bryan a. Gomer (editor in chief), Block's Law Dictionary, Dadgo star publication, Tehran, 1379, p.145.
25. CESCR, General comment No. 16, the equal right of men and women to the enjoyment of all economic, social and cultural rights (art. 3) E/C.12/2005/4 11 August 2005.
26. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, Adopted by General Assembly resolution 34/180 of 18 December 1979 entry into force 3 September 1981.
27. Goergetown institute for women, peace and security, Women, Peace and Security index, 2017-2018, <https://giwps.georgetown.edu/wp-content/uploads/2017/10/WPS-Index-Report-2017-18.pdf>.
28. HRC, General Comment No. 18: Non-discrimination: 11/10/1989.
29. HRC, General Comment No. 28: Equality of rights between men and women (article 3) 29/3/2000.CCPR/C/Rev.1/Add.10
30. Human Rights Watch, the "Ten-Dollar Talib" and Women's Rights, Afghan Women and the Risks of Reintegration and Reconciliation, July 2010, www.hrw.org.
31. Human Rights Watch, World Report 2012 Events of 2011, www.hrw.org.
32. International Covenant on Civil and Political Rights, Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 2200A (XXI) of 16 December 1966.
33. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 2200A (XXI) of 16 December 1966.
34. Maddex, Robert L. International Encyclopedia of Human rights; Freedom; Abuses and Remedies, Washington D.C, CQ Press, a Division of Congressional Quarterly Inc, 2000.
35. Mir Hosseini, Ziba, Muslim Women's Quest for Equality: Between Islamic Law and Feminism, Critical Inquiry, Vol. 32, No. 4 (Summer 2006), pp. 629-645, Published by:

The University of Chicago Press.

36. Riphenburg, Carol J. Post-Taliban Afghanistan: Changed Outlook for Women? Asian Survey, Vol. 44, No. 3 (May/June 2004), pp. 401-421 Published by: University of California Press.
37. Woman and girls in Afghanistan, fact sheet by the Senior Coordinator for international Woman's Issues, US. Department Of State, 10 March 1998.